



یوسف مولایی

حقوقدان و تحلیلگر مسائل بین‌الملل

باید پذیرفت که پرونده فعالیت هسته‌ای ایران و برجام ترکیبی از ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی، حقوقی و دیپلماتیک است. ایران اگر به دنبال حل مساله است و خواهان به سرانجام رسیدن نشست وین و احیای برجام است در نهایت می‌تواند برای اقدامات خود توجیه حقوقی پیدا کند. اینکه ایران توافق خود با آژانس را تمدید نکند یا پاسخی به سوالات آژانس در خصوص برخی از مکان‌های هسته‌ای نمی‌دهد در مسیر نهایی ایران برای احیای برجام قابل حل است به شرط آنکه اراده سیاسی و حاکمیتی جمهوری اسلامی به دنبال حل و فصل مساله باشد. چون حقیقت آن است که قالب حقوقی در مناسبات بین الملل و به‌خصوص پرونده‌ای مانند پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران و برجام یک بعد ثانوی و جنبی است، اصل اراده سیاسی و دیپلماتیک است. اگر این اراده برای احیای برجام وجود داشته باشد تمام این چالش‌ها قابل حل و فصل است و تهران می‌تواند برای تمام اقدامات خود قالب حقوقی پیدا کند. پس باید پذیرفت که یک قالب حقوقی و توجیه حقوقی مانعی برای فعالیت‌های هسته‌ای ایران نیست، مساله تعیین‌کننده نگاه غایی و اراده سیاسی ایران است. واقعیت آن است که ایران اکنون در یک وضعیت بسیار خاص و پیچیده قرار دارد. به‌خصوص چالش‌ها و مشکلات اقتصادی و معیشتی شرایط بحرانی را برای کشور رقم زده است. به نظر می‌رسد اولویت مسئولان حل و فصل این بحران است. اینجاست که نشست وین و احیای برجام می‌تواند گام مهمی در لغو بخشی از تحریم‌ها و تعدیل سیاست فشار حداکثری و به‌تبعش بهبود وضعیت معیشتی ایفا کند. اما در مقابل آن باید گفت نگاه حاکمیتی در ایران به فعالیت‌های هسته‌ای و توان اتمی دیگر یک نگاه حیثیتی شده است. به هر حال جمهوری اسلامی برای رسیدن به این نقطه هزینه‌های بسیار زیادی از هزینه‌های سیاسی و دیپلماتیک گرفته تا هزینه‌های انسانی، مالی، امنیتی و... پرداخت کرده است. بنابراین ایران اکنون در یک دوراهی بحران معیشتی و نگاه حیثیتی به توان هسته‌ای قرار دارد و نمی‌تواند یک توازن مناسب بین این دو مساله پیدا کند؛ چون جمهوری اسلامی نه می‌تواند چالش‌ها و مشکلات اقتصادی و معیشتی را در جامعه نادیده بگیرد و نه می‌تواند نگاه حیثیتی خود به توان هسته‌ای را کنار بگذارد. ضمن اینکه چالش‌های امنیتی طی یکی دو سال اخیر در اماکن هسته‌ای ایران هم دره‌هایی را در نهادهای نظامی و امنیتی ایران ایجاد کرده است، خصوصا که به نظر می‌رسد این اتفاقات و خرابکاری‌ها فقط مختص به ایران است. این مساله نشان می‌دهد، این نظر که ایران آسیب‌پذیر است و هم اینکه تلاش‌های برون‌مرزی با محوریت اسرائیل و دیگر کشورها در جریان است و شاید در ادامه هم این تلاش‌ها نداوم و حتی تشدید پیدا کند. البته این تفاسیر در نهادهای گرازشات و داده‌های مسائل امنیتی را به عدم پاسخگویی و همکاری لازم با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گره بزند و بخواد با عینک امنیتی مسائل را پیش برد به ضراوت، چرا که در ادامه این نگاه چالش‌ها و تبعات گسترده‌ای را از آژانس تا شورای حکام و شورای امنیت برای ما ایجاد خواهد کرد. اینکه احتمالا بازرسان، خود آژانس، اعضای شورای حکام و دیگر کشورها اسناد گزارشات و داده‌های خود را در رابطه با پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران در اختیار سرویس‌های جاسوسی و امنیتی اسرائیلی و آمریکایی قرار می‌دهند و آنها براساس این گزارشات دست به ترورسم هسته‌ای علیه ایران می‌زنند و با این نگاه نیز همکاری با آژانس را محدود کرد، کاملاً غلط است. ما باید حفره‌ها و خلأهای امنیتی را پر کنیم؛ اینکه همکاری با آژانس را با توجیه امنیتی کمرنگ کنیم، پاک کردن صوبت مساله در داخل است. چون واقعا عدمهمکاری با آژانس به دلیل نگاه امنیتی نادیده گرفتن واقعیت است. ما باید بازبینی اساسی و جدی در حوزه امنیتی با هدف پر کردن خلأها و حفره‌های امنیتی داشته باشیم تا شاهد تکرار خرابکاری‌ها و ترورسم هسته‌ای اسرائیل در اماکن هسته‌ای خود نباشیم، نه اینکه بخواهیم با ابهام‌افرینی در پرونده فعالیت‌های هسته‌ای و عدم پاسخگویی و همکاری با آژانس، تضمین امنیتی برای اقدامات تروریستی اسرائیل و دیگر کشورها داشته باشیم. تا دیر نشده باید این بازبینی امنیتی شکل بگیرد. اصل مشکل در داخل است پس راه‌حل هم باید در داخل باشد. عدم همکاری با آژانس به دلیل نگاه امنیتی فرافتنی، قرار رو به جلو و نادیده گرفتن واقعیات داخلی است. با توجه به ساختار سیاسی در جمهوری اسلامی ایران تصمیم‌گیری نهایی در قبال احیا و یا مرگ برجام در چارچوب اختیارات و حیطه کاری دولت‌ها چه دولت روحانی و چه دولت رئیسی قرار نیست. بنابراین دولت رئیسی هم در قبال نشست وین و برجام همان نگاهی را پیاده می‌کند که دولت حسن روحانی هم موظف به پیاده کردن آن بود. یعنی اگر تا زمان روی کار آمدن دولت رئیسی نشست وین و احیای برجام به نتیجه نمی‌رسد، دولت سیزدهم به صورت مستقل نباید تواند گامی در راستای احیا و یا مرگ برجام بردارد، بلکه باید ببیند نگاه حاکمیتی نسبت به این نشست و برجام چیست؟ مشکلات اقتصادی و معیشتی و نیز توان کمرنگ سیاسی، دیپلماتیک و امنیتی‌ما در داخل و پیرامون کشور اجازه کوئیند میخ بر تابوت برجام از سوی ایران رانمی‌دهد.

باورندارید که جامعه در حال

انفجار است...

جامعه بر اثر برق فشار قوی تورم و گرانی به این وضعیت رسیده است

چالش آینده کشور انفجار گر سنگی است

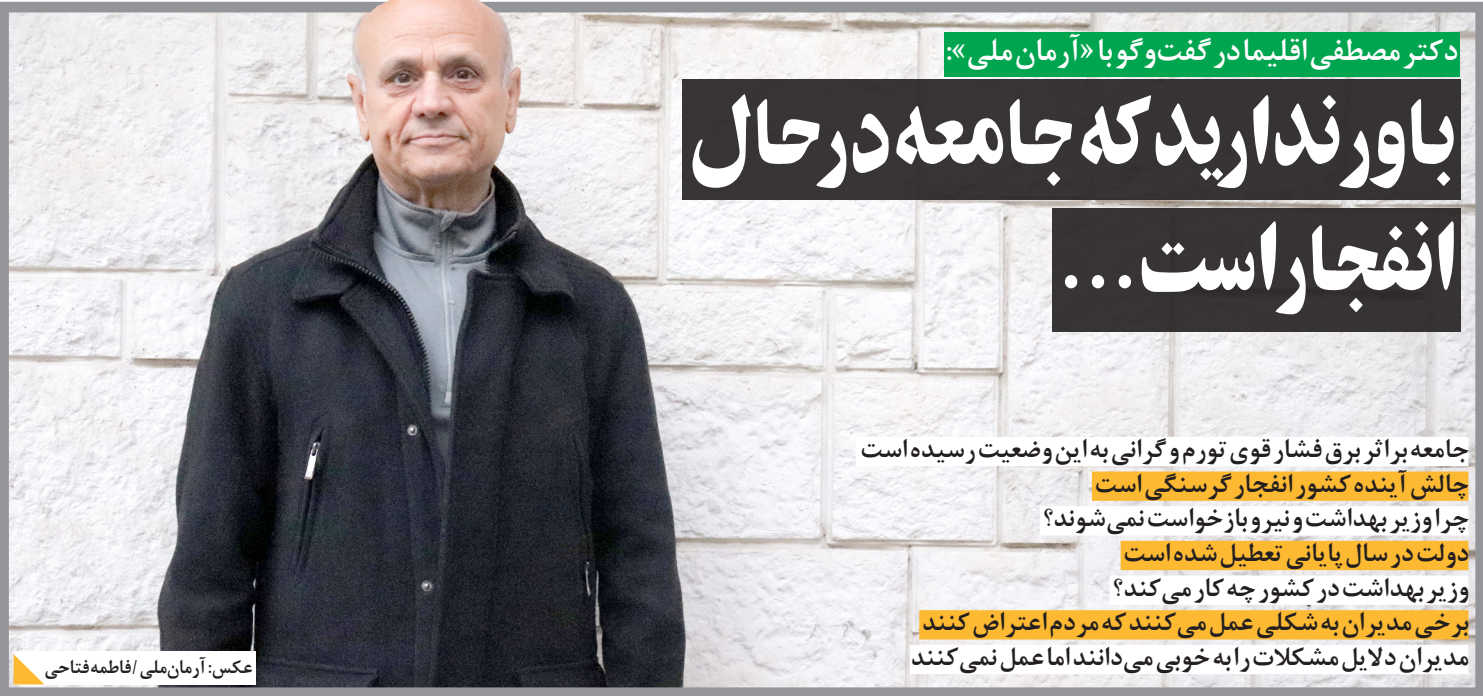
چراوزیر بهداشت و نیرو باز خواست نمی‌شوند؟

دولت در سال پایانی تعطیل شده است

وزیر بهداشت در کشور چه کار می‌کند؟

برخی مدیران به شکلی عمل می‌کنند که مردم اعتراض کنند.

مدیران دلایل مشکلات را به خوبی می‌دانند اما عمل نمی‌کنند



عکس: آرمان ملی / فاطمه فتاحی

آرمان ملی – احسان انصاری: قطعی مکرر برق در روزهای اخیر، به همراه وضعیت ناگوار بهداشتی برخی از استان‌های درگیر کرونا باعث شده مطالبات مردم نسبت به مسئولان شکل جدی تری به‌خود بگیرد. این در حالی است که مسئولان مربوطه به‌جای پاسخگویی و برطرف کردن مشکلات با فرافکنی تنها فرار به جلو می‌کنند. امروز جامعه ایران در شرایطی قرار دارد که مسئولان تنها حرف می‌زنند اما در عمل مشکلات همچنان باقی است و حل نمی‌شود. در چنین وضعیتی میزان انتقادات و اعتراضات نسبت به بروز مشکلات در ماه‌های گرم سال بیش از گذشته شده است. «آرمان ملی» برای بررسی این چالش‌ها با دکتر مصطفی اقلیما، جامعه‌شناس و رئیس انجمن علمی مددکاری ایران گفت‌وگو کرده است. دکتر اقلیما معتقد است: «اگر قرار است رئیس‌جمهور جدید نیز از مدیرانی استفاده کند که در گذشته از کار آمدی کافی بر خوردار نبودند، جامعه با چالش‌های بسیار جدی و هشدار دهنده‌ای مواجه خواهد شد. امروز جامعه ایران با چالش انفجار گر سنگی، فلاکت و بیچارگی مواجه شده است. رئیس پلیس تهران به تازگی عنوان کرده ۵۰ درصد سارقانی که دستگیر شده‌اند برای بار اول سرعت کرده‌اند و همه این افراد نیز بر اساس گر سنگی و فقر دست به چنین کاری زده‌اند. میزان بزه‌کاری و جنایت بر اساس فقر و گر سنگی در حال افزایش است. چه زمانی در کشور چنین وضعیتی وجود داشته است؟ کسی که گر سنه است از زندان و از هیچ چیز دیگری نمی‌ترسد؛ بلکه برای زنده ماندن خود دست به هر کاری می‌زند. دلیل اصلی افزایش خودکشی، طلاق و اعتیاد در جامعه مافقر و بیچارگی است.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

▲ از بایی شما از رفتار مسئولان در مواجهه با بحران‌های

کنونی مانند شرایط ناگوار سیستان و بلوچستان و قطعی برق در گرم‌ترین ماه‌های سال چیست؟

واقعیت این است که در سال پایانی همه دولت‌ها، عملاً دولت‌ها تعطیل می‌شوند. این وضعیت برای دولت آقای روحانی نیز وجود دارد و ما مشاهده می‌کنیم دولت برنامه خاصی برای حل مشکلات کنونی مردم ندارد. در سال پایانی دولت احمدی‌نژاد نیز همین وضعیت وجود داشت. احمدی‌نژاد تا زمانی که رئیس‌جمهور بود هر روز یک مسأله ایجاد می‌کرد و در نهایت نیز ریاست‌جمهوری را رها کرد و رفت. دولت روحانی نیز در چنین شرایطی قرار دارد. امروز مشاهده می‌کنیم رئیس‌جمهور هیچ‌کدام از وزرای ناکارآمد خود را بر کنار نمی‌کند. این وضعیت درباره مدیران ناکارآمد نیز وجود دارد و هیچ تغییری در این مدیریت مشاهده نمی‌شود. انگار قرار است هر رئیس‌جمهوری که سر کار می‌آید در سال آخر دولت را تعطیل کند و کار نکند. شرایط به شکلی است که کشور در وضعیتی قرار دارد که دولت بعدی هم که سر کار آید در عمل نتواند کاری از پیش ببرد. احمدی‌نژاد کشور را با چالش‌های بین‌المللی رها کرد و رفت. این در حالی است که آقای روحانی نیز قصد دارد کشور را با بحران کرونا و تحریم‌های بین‌المللی رها کند و برود. شرایط دولت به شکلی است که هنوز حقوق کارمندان خود را پرداخت نکرده است.

دولت آقای روحانی در موضوع کرونا کشور را یک سال است که معطل گذاشته است. این در حالی است که ما پول کافی برای خرید واکسن کرونا در اختیار داشتیم. ما نذر روسیه، چین و هند پول داشتیم، رهبری عنوان کرده است که آمریکا و انگلیس واکسن نخرید. این در حالی است که آقای روحانی گفتند چین و روسیه به ما واکسن ندهاده‌اند. مشخص نیست قراردادهای هنگفتی که با روسیه و چین بسته شده برای چه کاری است. نمونه بارز آن قرارداد ایران و چین است که مشخص نیست برای چه کاری بوده است. آیا مشکل از کشورهایی مانند چین و روسیه است یا اینکه دولت قصد کار کردن ندارد.

▲ یقیناً توانی مسئولان در سال پایانی دولت نبوده؛ بلکه دولت کنونی نسبت به بسیاری از مشکلات کشور بیشتر به حرف زدن بسنده کرده است. نتیجه چنین رویکردی چه پیامدهایی برای کشور به همراه خواهد داشت؟

آقای روحانی مدت‌هاست که تنها حرف می‌زند و برخوردی با مدیران ناکارآمد نمی‌کند. ایران در بین کشورهای منطقه خاورمیانه یک قدرت نامدلمد می‌شود. سوال اینجاست که آیا پسندیده است مردم چنین کشوری برای زدن واکسن کرونای رایگان به کشور دیگری سفر کنند. وزیر بهداشت در کشور چه کار می‌کند؟ اگر یک وزیر ناکارآمد است، چرا رئیس‌جمهور در این زمینه برخورد جدی صورت نمی‌دهد. انگار دوران وزارت نیرو و زرا سه سال است و سال آخر باید کشور تشنگی شود. در شرایط کنونی کرونا، برق، گرانی و بسیاری از مشکلات کشور مدیریت نمی‌شود و کارها بدون مدیریت انجام می‌شود. اگر چنین وضعیتی در کشورهای توسعه‌یافته رخ می‌داد با چنین مدیرانی برخورد شدیدی می‌کردند. به نظر می‌رسد شایسته‌سالاری و پاسخگویی برای مسئولان وجود ندارد و این دو اصل مهم برای کسی اهمیت ندارد. مدیران کنونی نه در عمل به وظایف خود عمل می‌کنند و نه به مردم پاسخگو هستند. اینکه چرا شرایط کشور به این نقطه رسیده به این دلیل است که مسئولان هیچ‌کاری با برنامه‌ای نمی‌کنند و بیشتر حرف می‌زنند. نزدیک به یک سال است که چنین اتفاقی در کشور رخ داده است.

▲ قطعی برق در کشور در حالی رخ می‌دهد که در روزهای اخیر انتقادات و اعتراض‌های مختلفی وجود داشته است.

از بایی شما از ابعاد جامعه‌شناختی این اتفاق چیست؟ قطعی برق یک بهانه است. برق فشار قوی بیکاری، فقر و تورم است. مردم بر اساس این برق‌های فشار قوی در حال انفجار هستند. کسانی که در کشور مسئولیت دارند به‌خوبی ریشه‌های مشکلات را می‌دانند. کسی که وزیر و نماینده مجلس شده بی‌استعداد و کم‌هوش نیست؛ بلکه از ضرب هوشی و درک و فهم برخوردار است. کسی که رئیس‌جمهور می‌شود به اندازه‌ای فرد عاقل و با دانش بوده که به این نقطه رسیده است. این در حالی است که گویی برخی از مسئولان کشور به صورت آگاهانه به دنبال منفرج کردن جامعه هستند. مشخص نیست

نقش کنگره آمریکادر ثبات برجام



علی بیگدلی

تحلیلگر مسائل بین‌الملل

تیم بایدن از ماه‌ها قبل در حال ارزیابی موقعیت برای توافق با ایران هستند تا سیاست جدیدی را برای سر گرفتن مذاکرات هسته‌ای تعیین کنند، چون شرایط منطقه تغییرات زیادی پیدا کرده است. آنچه مسلم است اینکه استراتژی برجامی دولت جدید آمریکا با آنچه مدنظر دولت باراک اوباما بوده، تفاوت‌هایی آشکار دارد. در این میان ایران هم باید سیاست‌های مدنظرش را با شرایط فعلی به‌روز کند. این در حالی است که سیاست تابع لحظه‌هاست و با تغییر شرایط، مواضع هم باید عوض شوند. از سویی برجام دیگر فقط مساله ایران و آمریکا نیست و به کل جهان ربط پیدا کرده است، به شکلی که شاهد هستیم به صورت روزانه مقامات بسیاری در خصوص برجام گفت‌وگو می‌کنند. در حال حاضر نه ایران تاب تحمل شرایط فعلی را دارد و نه آمریکا می‌تواند نسبت به باز شدن گره اصلی بی‌تفاوت باشد. در همین راستا دیپلماسی پنهانی بین ایران و آمریکا به کمک اتحادیه اروپا در جریان است تا مساله به نوعی حل شود. روشن است که آمریکا برای اینکه بتواند از مخمصه برجام رها شود باید امتیازهای اولیه‌ای به ایران بدهد تا از این طریق کمی از انتظارات ایجاد شده در فضای داخلی ایران را برآورده کند. چون ایران برای از سرگیری مذاکرات به اعاده حیثیت خود نیاز دارد و به همین دلیل آمریکا احتمالاً درباره لغو تحریم‌ها تصمیم‌هایی اتخاذ کرده باشد. بایدن هنوز برنامه‌های زیادی دارد. رئیس‌جمهوری ایالات متحده برای تکمیل روند مذاکره با ایران وضعیت بسیار حساسی دارد و مجبور به جلب کردن نظر کنگره است. مهمترین موضوع امروز این است که به دلیل جو حاکم بر نظام بین‌الملل، ایران و آمریکا نمی‌توانند یکدیگر را نادیده بگیرند که در این صورت احتمال توافق بر نرتگ می‌شود. بایدن به همین علت عنوان می‌کند که باید در خصوص موضوعات دیگر نیز گفت‌وگو شود تا توافق جدیدی بتواند متناسب با نظر کنگره کرده و تایید کنگره را نیز به دست آورد و آن را تبدیل به یک قانون در آمریکا کند تا دوام داشته باشد و دیگر نقض نشود. کنگره به این علت امروز مخالف برجام است که تاکید دارد باید مسائل منطقه‌ای و دفاعی ایران نیز دران گنجانده شود و محدود به زمان نیز نباشد. به همین علت بایدن برای مثال عنوان می‌کند که دوام برجام جدید تا ۲۰۵۰ تمدید شود؛ یعنی نه همیشگی باشد و نه کوتاه مدت. ایران باید برجام ۲۰۱۵ را به فراموشی سپرده و با توجه به وضعیت موجود تصمیم‌گیری کند.

پیدا و پنهان طرح صلح طالبان



محسن پاک‌آیین

رئیس اسبق ستاد افغانستان

در مورد طرح صلح طالبان باید به این نکته توجه کرد که معمولاً برای اعلام کردنه‌ای این جریان قرار است یک داشته باشد و در کنار اقدام‌های نظامی، که بخشی از طالبان آن را اجرا می‌کنند، سعی می‌کند رویکرد سیاسی در این میان داشته باشد تا بتواند در قالب یک جریان سیاسی مطالبات اعم از آنکه طالبان به دنبال مسأله امنیت است را در مقاطع مختلف اعم از مذاکرات دوحه و ادوار دیگر، سعی کرده‌اند طرح‌های صلح مختلفی را مطرح کنند و حالا هم مجدداً همین روند را پیش گرفته‌اند؛ به گونه‌ای که چند روز پیش اعلام کرده‌اند این جریان قرار است یک طرح صلح جدید به کابل برسد که سپس تکذیب شد. بدون تردید مفاد طرحی که چند روز پیش از آن سخن به میان آمد، مشخص نیست اما می‌توان گمانه‌زنی‌هایی داشت؛ اعم از آنکه طالبان به دنبال مسأله امنیت است؛ است تا بتواند در افغانستان یک حاکمیت با حضور حداکثر اعضای طالبان را ایجاد کند. به طور طبیعی ممکن است در این طرح عدم‌پذیرش دولت قانونی اشرف غنی مطرح شده باشد و اینکه سپهر خواهی‌هایی در مورد دست‌ها و جایگاه‌های دولتی شده باشد، اما اینکه مفادی به صورت قطعی در آن گنجانده خواهد شد، مشخص نیست. دولت افغانستان هم برای خودش اصولی دارد و می‌گوید یک دولت قانونی است که بر اساس آرای مردم افغانستان شده و طالبان هر طرحی اقدامی که دارد، باید در چارچوب دولت قانونی اجرا کند و دولت قانونی را به رسمیت بشناسد. این سیاست همیشگی دولت افغانستان بوده که به طور طبیعی این سیاست مورد حمایت دولت‌های منطقه است؛ چراکه کشورهای منطقه معمولاً دولت‌هایی را تایید می‌کنند که از مسیر انتخابات روی کار بیایند. اگر چه دولت اشرف غنی از آرای بالای برخوردار نبود، اما به قدر تریب از مسیر انتخابات و مسیر مندرج در قانون انگیزد؛ و به همین دلیل به طور طبیعی مورد سازمان ملل و سایر کشورهاست. این در حالی است که مردم افغانستان هم قانون را در نظر می‌گیرند و به همین دلیل جریانی که بخواهد دولت را تغییر دهند و آرای مردم را در نظر نگیرند، مورد قبول مردم افغانستان هم نخواهد بود. بر این اساس دولت افغانستان طرحی را که خارج از چارچوب و قانون مطرح شود، نمی‌پذیرد. از این منظر به اعتقاد من بازیگران منطقه‌ای در این میان مهمترین بازیگران فرامنطقه‌ای هستند. باید بپذیریم بازیگران فرامنطقه‌ای از آمریکا گرفته تا آنها که با نام ناتو وارد افغانستان شده‌اند، هیچ دستاوردی جز آشوب، قتل و غارت در افغانستان بر جای نگذاشته‌اند و نه تنها تروریسم در این کشور از بین نرفت، بلکه برچه‌های سیاه دامنش هم در این کشور نمایان شد. بر این اساس بازیگران منطقه‌ای؛ اعم از همسایگان افغانستان و به‌خصوص ایران می‌توانند نقش مهمی در آینده این کشور بازی کنند. ایران کشوری است که هم مورد احترام مردم افغانستان است و هم اینکه ارتباط رسمی با دولت این کشور دارد و از سوی دیگر ارتباط خود را با طالبان با هدف استقرار صلح در افغانستان طی سال‌های اخیر برقرار کرده است. لذا می‌توان افغانستان را یک منطقه بیابند و همانند اقدام اخیر ایران در برگزاری نشست بین‌المللی، دست به یک بازیگری مهم بزند تا صلح در افغانستان جاری شود.